

بسم الله الرحمن الرحيم

## بحران نفت و پیامدهای آن

(ترجمه)

### پرسش

خبرها کاهش ناگهانی قیمت نفت مخصوصاً نفت تگزاس را دست به دست نموده، رقمی که به قیمت 30 دالر زیر صفر رسید و نفت خام برنت که به صورت منظم داد و ستد می‌شد، به 9% رسیده و قیمت هر بشکه آن به 25 دالر رسید، که عوامل کاهش نفت مختلف بوده خواه این کاهش ناگهانی به پرشدن ذخیره‌ها ارتباط داشته باشد و یا به اثر کرونا که روی نزول اقتصاد و تقاضای نفت تأثیر داشته است! سوال این است که اگر عمیق‌تر به این مسأله بینیم عوامل بحران نفت چیست؟ آیا این بحران ادامه خواهد داشت؟ این بحران بر اقتصاد امریکا و اقتصادی جهانی چی تأثیری خواهد داشت؟

### پاسخ

برای درک واقعیت بحران نفت به صورت کلی و مخصوصاً برای بحران نفت (غرب تگزاس) و هم‌چنان برای درک تأثیر آن بر اقتصاد امریکا و اقتصاد جهان ضروری است که سه واقعیت و یا سه موضوع را بشناسیم، مسأله اقتصادی و سیاسی و تأثیر آن بالای نفت "تگزاس" سپس شناخت تأثیر آن بالای نفت برنت و هم‌چنان شناخت تأثیر آن بالای اقتصاد امریکا و جهان.

اول) تأثیر ویروس کرونا بالای مصرف نفت: از آغاز سال جاری ویروس کرونا از چین انتشار و به اروپا و سپس به امریکا انتقال یافت و بعداً شیوع ویروس کرونا یک سلسله اقدامات قرنطینه‌ای و توقف بسیاری از بخش‌های اقتصادی را در تمام کشورها با خود داشت. هم‌چنان شیوع کرونا حرکت و پرواز هواپیماها را به دلیل منع سفر در بسیاری از کشورها مخصوصاً اروپا و امریکا متوقف ساخته و این کشورها از ترس انتقال ویروس کرونا حرکت هواپیماهای شان را متوقف ساختند، هم‌چنان اختلال و بی‌نظمی وحشتناک شدیدی که روی تجارت بین‌المللی به اثر توقف تقاضای مواد غیر غذایی و غیر صحتی به وجود آمد، این موضوع باعث شد تا بر حرکت حمل و نقل ترانسپورتنی تأثیر بگذارد؛ در حالی که حمل و نقل خشکه و دریائی 68% از نفت را به مصرف می‌رساند. (منبع: اندپندنت عربی 24 اپریل 2010م)

این موارد باعث شد که تقاضای جهانی نفت به سبب کرونا به کاهش بزرگی مواجه گردیده و این کاهش تقاضا، با انتشار ویروس کرونا از یک کشور به کشور دیگر عمیق‌تر شود، چنانچه هر جا که ویروس کرونا شیوع پیدا کرد، فلج شدن بسیاری از بخش‌های اقتصادی را با خود داشته؛ ولی تعامل آن با نفت متفاوت بود. وقتی کرونا در دولت‌های بزرگ اروپائی غربی انتقال یافت، باعث کاهش شدید تقاضای نفت جهانی گردید؛ چون این دولت‌ها مصرف‌کننده بسیار نفت بودند، وقتی این ویروس به صورت شدید آن به امریکا شیوع پیدا کرد بحران نفت چنین حالتی را با خود گرفت، امریکائی که 20% درصد نفت جهانی را به مصرف می‌رساند، بناء اگر از ناحیه ارقام حساب کنیم، تقاضای نفت 30% در جهان کاهش یافت، جهانی که نزدیک به 100 میلیون بشکه نفت در روز به مصرف می‌رساند، در این زمینه دو مورد از اظهارات که در مورد کاهش تقاضای نفت در جهان ابراز گردیده بیان می‌کنیم:

1- اظهارات اول: آژانس انرژی بین‌المللی به تاریخ 15 اپریل 2020م طوری پیش‌بینی کرد که تقاضای جهانی سالانه نفت روزانه به 29 میلیون بشکه خواهد رسید که این کاهش رقمی را ثبت خواهد که در طول 25 سال شاهد آن نبوده است... (منبع: روزنامه وفد 15 اپریل 2020م)

2- اظهارات دوم: «الکساندر نوافک وزیر انرژی روسیه اعلام نموده که تقاضای جهانی نفت روزانه به 20 الی 30 بشکه کاهش یافته است. او گفت: حالا ما به پائین‌ترین درجه تقاضای جهانی نفت مواجه شدیم.» (منبع: عربی نت 22 اپریل 2020م)

به این ترتیب می‌بینیم که تقاضای جهانی نفت آن قدر کاهش یافته که در غیر از جنگ‌های جهانی تصور آن را کرده نمی‌توانیستیم. این کاهش سرسام‌آور در طی سه الی چهار ماه یعنی در جریان بحران کرونا به وجود آمده، به حدی که نفت تگزاس با پائین‌ترین درجه خود یعنی به 37 درجه زیر صفر رسیده است و این کاهش سرسام‌آور به تاریخ 20 اپریل 2020م اتفاق افتاده که این روز را به نام دوشنبه سیاه نام گذاشتند.

دوم) واقعیت سیاسی: چون نفت یک کالای استراتژیک است، دولت‌ها این کالا را برای ضربه زدن دیگر دولت‌ها استفاده می‌کنند. منظور استفاده این‌چنینی سیاست آمریکا است، چون آمریکا بود که یک ماه قبل به وسیله سعودی جنگ نفت را در برابر روسیه به راه انداخت که توضیح بیش‌تر این مسأله قرار ذیل است:

1- آمریکا روسیه را مجبور ساخت تا تولید نفت را کاهش داده تا قیمت بلند نفت را حفظ نموده و شرکت‌های شیلی آمریکائی در بازار نفت رقابت کنند، زیرا استخراج نفت شیلی آمریکائی بسیار پر مصرف است، از طریق این سیاست، سعودی توانیست که در طول سه سال روسیه را مجبور سازد تا تولید نفت روزانه به مقدار 2.1 میلیون بشکه نفت کاهش یابد، که در این تولید نفت "اوپک" روسیه نیز شرکت نمود؛ گروهی که جدیداً مشهور به "اوپک پلس" شد. این توافق سعودی با روسیه در اواخر مارچ 2020م به پایان رسید و این توافق قبل از انتشار کرونا بوده که آخر این توافق‌نامه هم‌زمان با شیوع کرونا واقع شده است.

2- با شیوع ویروس کرونا در چین و آغاز انتقال آن به ایتالیا، قیمت نفت کاهش یافته و هر بشکه نفت برنت به 45 دلار رسید که این سطح قیمت و ادامه آن خطری بود برای تولیدکننده‌گان نفت آمریکائی، چون کاهش این‌چنینی تولیدکنندگان نفت آمریکا را تهدید به اخراج‌شان از بازار نفت می‌نمود؛ لذا آمریکا خود را مجبور احساس کرد که قیمت نفت را بالا ببرد، در این وقت بود که آمریکا سعودی را مجبور ساخت تا بر ضد روسیه فشار وارد کرده تا در کاهش تولید نفت خود بیفزاید، چون تقاضای جهانی نفت به سبب شیوع کرونا به طور دوامدار پائین آمد؛ بناءً نشست "اوپک پلس" به تاریخ 6 مارچ 2020م صورت گرفت، زمانی که روسیه هرگونه کاهش اضافی تولید نفت را رد کرد و این عکس‌العمل روسیه به دلیل ترس آن از کاهش تولید نفت شیلی بود.

3- با از بین رفتن این نشست "اوپک پلس" قیمت نفت 10% به صورت فوری کاهش یافته آن‌هم به سبب انتشار خبر اختلاف گروه "اوپک پلس".

4- سعودی بعد از ناکام ماندن این نشست طی چند روز نزدیک آن جنگ قیمت نفت را علیه روسیه شروع کرد تا آن را از طریق پنج راهکار مجبور به کاهش تولید نفت سازد.

الف- راهکار اول سعودی این بود که از توافق نامه اول (توافقنامه که به اساس آن باید 2.1 میلیون بشکه روزانه کاهش می‌یافت) شانه خالی کند، با وجودی که روسیه اعلام نمود که به این توافق نامه پایبند می‌باشد.

ب- افزایش وحشتناکی در تولید نفت بود که این راهکار از 1 اپریل درست از ختم میعاد توافق نامه اول شروع شد، توافق نامه‌ای که میزان کاهش تولید نفت با روسیه را مشخص می‌نمود. بدین ترتیب از آغاز این راهکار میزان افزایش تولید روزانه نفت به 12 الی 13 میلیون بشکه می‌رسد، هرچند که در تقاضای جهانی نفت به سبب کرونا مشکلات زیادی پیش آمد.

ج-: کاهش قیمت مزدوران آسیائی در ازای هر بشکه نفت به 6 دالر امریکائی که سطح قیمت اولین بار در تاریخ خصمانه است.

د- کاهش و افزایش مزدوران آسیائی به خاطر از بین بردن نقش روسیه در بازار نفت است.

ه- به اجاره گرفتن کشتی‌های بزرگ نفت کشی که مانند ذخیره‌های شناگری در دریا بوده و با این پرخوری شان بازار نفت را به کساد می‌کشد.

5- با این راهکارها که سعودی در همین چند روز نزدیک اعلام نمود، به تاریخ 6 مارچ 2020م نشست "اوپک پلس" را در پی داشت که این نشست کاهش ثلث قیمت نفت را به وجود آورد. روز دو شنبه قیمت نفت به ثلث قیمت‌اش رسیده و از زمان جنگ خلیج یعنی سال 1991 م به بیشترین خسارات روزانه رسید. این کاهش وحشتناک بعد از آن بود که سعودی به بلند بردن تولید نفت اشاره کرده و گفت که این افزایش تولید نفت به دلیل شیوع ویروس کرونا می‌باشد تا در بازار کمک بیشتری گردد. از همین جهت سعودی از قراردادهای آینده خود که 22 درصد نفت خام برنت را به 37.05 دالر در هر بشکه قیمت‌گذاری کرده بود عقب نشینی کرده که بعداً 31 درصد نفت خام را به 31.02 دالر در هر بشکه قیمت‌گذاری که این قیمت پائین‌ترین سطح از 12 فیبروری 2016م است. (منبع: رویترز 9 مارچ 2020 م.)

در حالی که می‌دانیم که خام برنت از منابع و چاه‌های نفت بحر شمال استخراج می‌گردد و خام برنت مخلوطی از نفت زیوت خام، فورتیز، اوزبیرگ و ایکوفیسک می‌باشد که این نوع نفت دو سوم معیار قیمت‌گذاری تولید نفت جهانی را رقم زده مخصوصاً در بازارهای اروپا و آفریقا و گاهی اوقات به امریکا و بعضی از کشورهای آفریقائی صادر می‌شود، البته این داد و ستد زمانی صورت می‌گیرد که بعد از مصارف حمل و نقل، قیمت نفت مناسب باشد.

داد و ستد قراردادهای آینده خام برنت از طریق شرکت بورص انترکونتیننتال (ICE) در لندن پایان یافت، یعنی سعودی با این راهکارهایش سبب شد تا قیمت نفت کاهش یابد و بعد از 1 اپریل بعد از ختم توافق نامه "اوپک پلس" با روسیه از وقتی که سعودی این گام‌ها را به اجراء گذاشت، کثرت تولید نفت در بازار محسوس شده و باعث شد که قیمت نفت برنت به زیر 30 دالر برسد که این تحول در جریان ماه اپریل و قبل از 20 اپریل 2020م صورت گرفت.

6- این سیاست سعودی در اصل سیاست امریکا به خاطر فشار وارد کردن بر روسیه بوده اما این سیاست حدوداً قبل از دو ماه در واشتن طراحی شده بود؛ یعنی قبل از آن که ابعاد کاهش تقاضای نفت به سبب شیوع کرونا پیش‌بینی شود، مخصوصاً کاهش تقاضای نفت در امریکا. در نتیجه این دو سیاست یعنی سیاست تحمیل شده امریکا بر سعودی و شدت کاهش تقاضای نفت شمشیر ویران کننده که اداره ترامپ آن را ساخته بود تا روسیه را توسط آن بزند مانند شمشیر دولبه شد که دو طرف به شمول شرکت‌های شینی امریکا را مورد ضربه قرار داد؛ یعنی پلان‌های که امریکا برای ضربه زدن روسیه از طریق کاهش قیمت نفت طرح‌ریزی کرده بود، فکر نمی‌کرد که به این عمق و فاجعه برسد.

شکی نیست که عمق کاهش این قیمت، نتیجه دو عامل بوده است: سیاست امریکا-سعودی بر ضد روسیه و دیگری کاهش شدید دوامدار جهانی در تقاضای نفت؛ کاهشی که به این میزان در سیاست امریکا پیش‌بینی و هدف نبود. فشار بر شرکت‌های شیلی داخل امریکا شدت گرفته در حدی که شرکت "ویتینگ پترولیم" به تاریخ 2 اپریل ورشکستگی‌اش را اعلام و هم‌چنان صد شرکت شیلی امریکائی در لبه افلاس قرار گرفتند «چون قیمت نفت کم‌تر از مصارف تولید نفت شد، به گونه‌ای که مصرف هر بشکه نفت شیلی به 35 دالر رسید.» (منبع: اسواق عربی 11 مارچ 2020م.) هم‌چنان بنا به گزارش اندپندنت عربی به تاریخ 24 اپریل 2020م قراردادهای آینده در مورد نفت غرب تگزاس روز پنج شنبه مورخ 23 اپریل بین 15 و نزدیک به 27 دالر رسید و همه این قرار دادهای تا 2020م زیر قیمت یعنی زیر 30 دالر بوده و این چیزی بود که فشار را بالای نفت شیلی ایجاد کرد.

7- این واقعیت‌های خطرناک است که بر صنعت نفت امریکا به سبب شیوع کرونا ایجاد شده و به همین دلیل اعلامیه‌های اداره امریکا به کثرت نشان‌دهنده دخالت در بین روسیه و سعودی است تا هردوی این دو کشور را وادار سازد تا دو باره به کاهش تولید نفت روی آورند. رئیس‌جمهور امریکا طی تماس تلففونی به رئیس‌جمهور روسیه به تماس شده که با این تماس لعاب دهان رئیس‌جمهور روسیه از شوق به جریان شده و امیدوار شد که بار دیگر در خصوص قیمت نفت با امریکا هم‌آهنگ گردد؛ چنانچه ترامپ به سعودی تماس گرفته و گفته است: «ما گفتگوی ویژه را با رئیس‌جمهور پوتین انجام دادیم؛ هم‌چنان گفتگوی ویژه را با ولی عهد سعودی انجام دادیم.» (منبع: یورونیوز 1 اپریل 2020م.)

خلاصه ممکن است که اداره ترامپ توافق‌نامه روسی-سعودی را برای کاهش تولید نفت مراعات کرده و این بزرگترین توافق‌نامه است که کاهش 10 میلیون نفت روزانه را پذیرفته است. «اعضای سازمان دولت‌های تولیدکننده نفت "اوپک" و هم‌پیمانان شان به یک توافق‌نامه همه‌پذیری برای کاهش تولید نفت 10 در صدی جهانی دست یافتند. چیزی که تا اکنون تأکید می‌شود، این است که "اوپک" و هم‌پیمانان اش به زودی تولید 9.7 میلیون بشکه نفت را کاهش خواهند دادند.» (منبع: بی بی سی 12 اپریل 2020م.) اجرای این توافق از 1 می 2020م شروع شده و برای مدت دو ماه ادامه خواهد داشت. بعد از آن دولت‌های امضاءکننده نظر به تقاضای جهانی برای گذاشتن طرح آینده قدم خواهد گذاشت، بناءً این یک توافق‌نامه کوتاه مدتی است که برای مدت دو ماه به انتظار بلند رفتن تقاضای جهانی نفت خواهد نشست که با ختم ماه جون به پایان خواهد رسید؛ اما چیزی که در ظاهر به نظر می‌رسد این است که مشکلات قیمت نفت به عمق خود رسیده و با این توافق‌نامه به صورت مقطعی قیمت نفت به صورت نسبی بلند رفته و سپس نرخ قیمت برنت زیر 30 دالر بر خواهد گشت. چیزی که این مسأله را تفسیر می‌کند این است که تقاضای جهانی نفت روزانه 30 میلیون کاهش یافته؛ پس کاهش روزانه 10 میلیون بشکه برای جلوگیری این کاهش کمک نخواهد کرد.

سوم) واقعیت‌سومی که باید مورد شناسائی قرار گیرد، ذخیره نفت امریکا است: امریکا دو قسم ذخیره نفت دارد، اول ذخیره استراتژیک برای دولت است و دوم ذخیره شرکت‌ها، این مسأله با دو مسأله قبلی در عمیق ساختن بحران نفت نقش و سهم دارد، بخشی از این مسأله به ذخیره استراتژیک تعلق دارد و بخشی هم به نفت غرب تگزاس که توضیح این موارد قرار ذیل است:

1- به طور عموم ذخیره استراتژیک نفت مخصوص دولت، عبارت از ذخیره‌های است که غالباً در زیر زمین ساخته شده و این نوع ذخیره برای آن است که در زمان بحران از آن استفاده گردد. بسیاری از کشورها چنین ذخیره‌هایی را بعد از

توصیه‌های سازمان انرژی به سبب بحران نفت در جنگ 1973 حفاری نمود. امروزه برای هر دولت بزرگ مصرف کننده نفت ذخیره‌های نفت وجود دارد که در زمان انقطاع نفت و نیاز مندی شان امکان استفاده نفت را برای مدت 30 الی 90 روز ممکن می‌سازد.

2- در سال 1975 کنگرس امریکا قانونی را تصویب نمود که حکومت فدرالی آن وقت را مکلف ساخت تا اماکن برای ذخیره‌سازی مقدار کافی نفت خام بسازد تا در حین خطر و نیازمندی شدید به آن بتواند نیاز را تأمین کند. اماکن ذخیره امریکا بر ساحل‌های ولایات تگزاس و لوویانا واقع شده و دولت مکلف است که برای تأمین پاسبانی این ذخایر اقدامات شدیدی را بگیرد. آخرین مقدار ذخیره استراتیژیک امریکا در سال 2009 به 727 میلیون بشکه نفت می‌رسید و علاوه بر ذخایر فدرالی، شرکت‌های امریکائی در بخش انرژی دست به ذخایر خصوصی زدند که این ذخایر خصوصی به صورت کلی مساوی با ذخایر فدرالی است و مثل این ذخایر شرکت‌ها در ولایت تگزاس بسیار بوده؛ ولایتی که از سالیان سال بزرگترین تولید کننده نفت امریکا به حساب آمده و نفت آن بنام "خام غرب تگزاس" یاد می‌شود و هم‌چنان ولایت "اوکلاهما" که مجاور ولایت تگزاس است ولایتی که از طریق آن نفت تگزاس به دورترین نقطه خشکی امریکا انتقال داده می‌شود.

3- با نزول سابق قیمت نفت در 6 مارچ 2020م و سپس جنگ نفتی بین سعودی و روسیه، بسیاری از دولت‌ها مخصوصاً امریکا و چین به پرمودن ذخایر استراتیژیک نفت خود پرداختند. ترامپ در آن وقت به کاهش قیمت نفت خوش حالی کرد و به این ترتیب امریکا به خرید نفت به قیمت ارزانی از سعودی و کشورهای دیگر اقدام کرد. قبل از فرا رسیدن "دوشنبه سیاه" ذخایر تگزاس تقریباً به پرشدن رسید. به این ترتیب مشکل ذخایر نفت به حالت متشنج و پرشدن رسید، به گونه‌ای که جاسازی نفت‌های اضافی در صورت عدم بیع در این ذخایر به یک مسأله پیچیده و احیاناً غیر ممکن تبدیل شد و به این ترتیب بسته کردن کانال‌های ذخایر به عنوان یگانه راه حل تولید کننده نفت مخصوصاً نفت تگزاس گردید.

4- به این ترتیب ذخایر نفت استراتیژیک امریکا در حد زیادی پر شده و هم‌چنان کشتی‌های نفت کش در دریاها به مثابه هم‌کار ذخایر نفت کار می‌کنند؛ پس به این صورت مشکل ذخایر نفت و خیم و بزرگ شده به گونه‌ای که نیاز به هم‌کار برای ذخیره سازی نفت مخصوص نفت غرب تگزاس پیدا کرد، آن هم در نقطه تسلیم‌اش در شهر کوشینگ در ولایت "اوکلاهما" شمال ولایت تگزاس. میزان نفت خام ذخیره شده در امریکا زیاد شده مخصوصاً در شهر کوشینگ و هم‌چنان فعالیت‌های تصفیه کن را کاهش داده است.

آخرین حد انرژی ذخیره شده در منطقه کوشینگ به 76 میلیون بشکه می‌رسد. معمولاً برای صاحبان قرار داد نفت که ممکن است که در وقت فرار رسیدن میعاد آن نفت را در "کوشینگ" تسلیم دهند و یا آن را در آن جا ذخیره سازند، البته به قیمت عادی که به داخل خشکه به امریکا انتقال داده می‌شود؛ اما چیزی که به وجود آمده چیزی دیگری است «چیزی که در ولایت کوشینگ و اوکلاهما مخصوصاً وقتی ذخیره‌سازی خام تگزاس به عقب کشید، حجم ذخیره به پنج میلیون بشکه اضافه شده و تقریباً به آخرین حد خود رسید و به همین ترتیب میزان ذخایر امریکا از مواد سوخت و تولیدات مکرر آن اضافه شد این در حالی است که مصرف هفته وار این مواد به سبب اقدامات خانه نشینی به 25

درصد رسید.» (منبع: رأی الیوم 25 اپریل 2020 م)

به این ترتیب گفته می‌توانیم که کاهش بی‌سابقه تقاضای جهانی نفت که به 30% و در حدود 30 میلیون بشکه نفت به طور روزانه رسیده همین مسأله سبب عمده کاهش پی‌درپی قیمت نفت شد؛ اما سیاست امریکا-سعودی جهت فشار آوردن بالای روسیه در زمان عادی قابل تطبیق بود؛ نه در زمان بحران تقاضای نفت.

چهارم: واقعیت چهارم که باید مورد شناسائی قرار گیرد این است که تمامی این موضوعات بر نفت تگزاس تأثیر نموده و ذخایر شهر اوکلاهما پر شده و دیگر جای ذخیره سازی وجود ندارد؛ مگر به قیمت بسیار بلند، برای آن تجار تلاش کردند که از چنین قراردادهای خود را خلاص کنند. بناءً بحران نفت غرب تگزاس یا "دوشنبه سیاه" 20 اپریل 2020م وقتی به کمتر از 37 دلار در هر بشکه رسید و تجار در این بخش خسارات فاحش را در امریکا بر داشتند، به وجود آمد؛ چیزی که حالت بازار نفت را به این حد رساند، عواملی بود که بیان کردیم، یعنی پرشدن ذخایر کوشینگ. وقتی ذخایر نزدیک به پرشدن رسید، این اقدامات نادری بود چون قیمت ذخیره‌سازی بالا است و دیگر این که فضای مصرف نفت به دلیل بسته شدن بازار اقتصاد نامعلوم بوده و قیمت ذخیره نمودن در ذخایر کوشینگ به شدت حرکت نموده و عاملی دیگری بود که بر حاملین قراردادهای ماه "می" فشار وارد کرد. به این دلیل تلاش کردند که از این قرار دادها خود را آزاد سازند و به همین دلیل قیمت نفت این قراردادها به 10 دلار و بعداً به پنج دلار سپس به زیر صفر رسید که این یک صورت مسخره دراماتیکی در قیمت نفت است؛ سپس قیمت زیر صفر باقی مانده تا آن که آخر نفت این قراردادها در ماه "می" منفی 37.6 رسید. این کاهش در وقتی صورت گرفت که حاملین این قرار دادها و تجار این بخش سخت حیرت زده شدند.

به این ترتیب بحران "دوشنبه سیاه" 20 اپریل 2020م برای نفت غرب تگزاس بود، و این ها عواملی بودند که هم‌دست و یکجا شده تا این بحران را به وجود آورند. به این دلیل بحران نفت تگزاس به وجود آمده و خوش‌حالی‌های "ترامپ" به خاطر توافق "اوپک پلس" بین سعودی و روسیه هیچ فایده نکرد. وقتی که ترامپ به تاریخ 12 اپریل 2020م گفت: «به زودی این توافق صدها هزار وظیفه را در بخش انرژی در ایالات متحده آمریکا به وجود خواهد آورد. می‌خواهم از پوتین رئیس‌جمهور روسیه و پادشاه سعودی سلمان بن عبدالعزیز تشکر کنم.» (منبع: CNN عربی 21 اپریل 2020م) پس خوشحالی‌های "ترامپ" از واقعیت موضوع به دور بود، زیرا سقوط این چینی قیمت نفت ترس بزرگ در امریکا و تمام جهان ایجاد کرده و بحران اقتصادی را مخصوصاً در بخش انرژی که به عمیق‌ترین حالت خود رسیده و به صورت کلی قابل انفجار بود، ایجاد کرد؛ در حالی که می‌دانیم که نفت خام غرب تگزاس متوسط از چاه‌های نفت امریکا و اساساً استخراج آن از تگزاس، لوئیزیانا، داکوتای شمالی می‌شود؛ سپس از طریق خط انابیب به کوشینگ، ولایت اوکلاهما آمده و داد وستد آن از طریق قراردادهای بعدی از طریق تگزاس وسیط از طریق بخش نیویورک تجارتنی صورت می‌گیرد که ملک بخش شیکاگوی تجاری است.

پنجم: از جهت دیگر امریکا از آغاز بحران کرونا به چند راهکار روی آورد، راه حمایت، نجات و تحریک که این راهکارها به صورت تدریجی بوده و اولین راهکار آن کوچک و به ارزش 8.3 میلیارد دلار بود که این راهکار برای حمایت برنامه‌های صحتی و مبارزه با کرونا در امریکا صورت گرفته است. بعد از آن که کرونا بخش‌های بیرون از صحت را مورد ضربه قرار داد «امریکا قیمت فائده‌اش را نزدیک به صفر کاهش داده و هم‌چنان برنامه‌های تشویقی به قیمت 700 میلیارد دلار به راه انداخت تا از این طریق از اقتصادش در برابر کرونا حمایت کند.» (منبع: بی بی سی 16 مارچ 2020م)

پس امریکا با واریز کردن سیل آسای دالر اقدام کرد تا کمبود دالر را جلوگیری کند و بعداً به تاریخ 27 مارچ 2020م دست به راهکار تشویقی اقدام نموده و به قیمت 2.2 تریلیون دالر به طور خیالی روی دست گرفت، که این بزرگترین راهکار در تاریخ امریکا بوده و بیشترین این بخش به خرید قرض های شرکت های اختصاص داده شد که این شرکت ها در لبه افلاس بودند و در جریان این راهکار «بانک احتیاطی فدرالی قبلا اعلام کرده بود که به زودی به ارزش مقدار 500 میلیارد دالر از چک های ذخیره خریداری نموده و به ارزش 200 میلیارد دالر از اوراق مالی حمایت شده توسط رهن املاکی خریداری می نماید؛ چنانچه بانک مرکزی امریکا از ایجاد برنامه های جدیدی خبر داد که به ارزش 300 میلیارد دالر در تمویل جدید برای تمویل جدید اعتبار صاحبان کار و مصرف کننده گان و شرکت ها فراهم می کند.» (منبع: تریدرس اب 24 مارچ 2020م) سپس حجم هزینه های صحتی برای مصابین ویروس کرونا انتظار می رود که برای امریکا بسیار رنج آور باشد و در کنار آن شرکت های بیمه نیز به نابدی گرائید که این شرکت ها بی نهایت بزرگ بود. سپس امریکا از بحران شدید بیکاری نیز رنج می برد؛ چون در حدود 30 میلیون امریکائی وظایف شان را در همین واقعه کرونا از دست داده و شرکت هایی که این کارگران را توظیف می نمود، در وضع مالی نا امیدکننده قرار گرفته که بازگشت این تعداد بیکاران بر کارهای شان به زودی ممکن نمی باشد. این رقمی است که تنها بر اشخاص اطلاق می گردد که خواهان کمک های مالی شده که تعداد این بیکاران از 22 میلیون امریکائی بیش تر است، اگر دولت همین راه نجات را پیش گیرد، به زودی پول امریکا شاهد شکستی خواهد بود که به آتش آن امریکا، دولت ها و ملت هایی که تعامل شان با دالر است، به آتش آن بسوزد.

ششم: واقعیت ششم که باید آن را شناخت این است که این بحران هرچند که بر امریکا سخت تر وارد شده اما دولت های دیگری را نیز در جهان گرفته است.

1- اگر در مورد اروپا بگوئیم حال اروپا از قرین اش - امریکا - بهتر نیست؛ چون پیامدهای کرونا اساس سیاست اروپا را در کنار اقتصاد این کشور تهدید نموده و آنچه که از بحران این مرض در ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، آلمان و بریتانیا می بینیم، واضح است؛ چنانچه ماکرون رئیس جمهور فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی از طریق تیلیفون به تاریخ 26 مارچ 2020م گفت: «شیوع ویروس کرونا پایه های اساسی تشکیلات ما را تهدید می کند.» او هم چنان افزود: «برنامه اروپا در خطر است... تهدیدی که به آن مواجه هستیم، از بین رفتن منطقه شینکانگ است.» (منبع: روسی الیوم 26 اپریل 2020م) میرکل صدر اعظم آلمان گفت: «از نظر من اتحادیه اروپا از زمان تأسیس اش تا اکنون امروزه به بزرگترین امتحان مواجه گردیده است... مهم این است که ما به صورت جمعی و به قوت کامل از بحران اقتصادی آن بیرون آئیم.» (منبع: رویترز 7 اپریل 2020م) هم چنان "پیدروسانشیز" نخست وزیر اسپانیا به تاریخ 5 اپریل 2020م گفت: «این واقعیت یک واقعیت استثنائی است که موقف گیری های ثابت را می طلبد که با آن مقابله می کنیم یا با این واقعیت پیش می رویم و یا این که از بین می رویم.» (منبع: فرانکفورتر آلمانی 5 اپریل 2020م) رهبران اروپا در نشست تاریخ 23 اپریل 2020م خود از طریق یک ویدیو توافق کردند که برای نجات شان در حدود 500 میلیارد یورو جمع کنند؛ اما جزئیات آن را ترک کردند. این رهبران در مورد تأسیس صندوق کمک ها و اصدار چک های مشترک کرونا تبادل نظر کردند، آلمان، هالند، نمساء و فنلند این چک ها را رد کرده و فکر ایجاد صندوق را موافقه نکردند در حالی که فرانسه، ایتالیا و اسپانیا این برنامه و پلان را حمایت کردند این ها دولت های اند که بیشتر آسیب دیدند اما آلمان

می‌خواهد که یک مقدار قرض‌های را به اسم خودش بدهد تا این دولت‌ها شهرهای خودش بوده و برآن‌ها تسلط پیدا کند.

2- نسبت به چین باید گفت: بانک بین‌المللی هشدار داده است که پیامدهای اقتصادی جهانی ممکن است که سبب شکست و رشد اقتصادی چین و 2.3% نسبت به 6.1% در سال 2019م خواهد رسید. (صفحه آزاد امریکا 10 اپریل 2020م) این صفحه از مسول بانک مرکزی چین نقل قول نموده که وی گفته است: «او سفارش نموده نظر به حالت‌های و حشتناک که چین به آن مواجه است، پکین در این سال باید به هدف رشد اقتصادی مشخص نگردد.» هم‌چنان روزنامه "ایکونومیک دیلی" گفته که "ماجون" عضو کمیته سیاست پولی در بانک ملی چین را چنین نقل کرده است: «به راستی دشوار است که به رشد 6% رسید.» او هم‌چنان اضافه کرده است: «محدود کردن هدف بوده ممکن است تدابیر رسمی را برای تعامل پیامدهای ویروس محدود بسازد.»

3- اما نسبت به روسیه باید گفت که این کشور 60% بر صادرات نفت و گاز وابسته است؛ پس نفت به عنوان شاه‌رگ اقتصادی روسیه محسوب می‌گردد؛ پس روسیه از خساراتی که بروی وارد گردیده است و هم‌چنان "روبل" روسیه به بدترین حالت خود رسیده؛ در حدی که یک دالر امریکائی مساوی به 79 "روبل" روسی است، که این مبلغ در پی جنگ قیمت نفت بوده است. در گزارشی از خبرگزاری "رویترز" از وضعیت روسیه گزارش داده شده که یکی از بانک‌های روسیه نقل قول کرده است: «وقتی قیمت هر بشکه نفت زیر بیست دالر برسد، تولید محلی به صورت کلی به 15% تقلیل می‌یابد.»

هفتم: بدون شک مفاسد و خرابی‌های نظام سرمایه‌داری واضح شده، ناتوانی و بی‌نظمی‌های آن در تعامل با کرونا ظاهر گردید و هم‌چنان خودخواهی و بزرگ‌نمائی دولت‌های آن نمایان شد دولت‌هایی که ضربات شدیدی در روی زمین وارد کرده؛ اما حالا جز ایدولوژی اسلام اصیل دیگر ایدولوژی نمانده است. بناءً این یک مرحله جدید طلائی برای امت اسلامی است، اما افسوس که نظام‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی بسان عائق و مانع در برابر حرکت امت اسلامی است. این حکام بر دشمنی‌شان در برابر امت اسلامی و ارتباط‌شان با دولت‌های بزرگ استعماری اصرار دارند. امت مسلمه به رهبری مخلص نیاز دارد که مطابق به اسلام پاک و خالص آن را رهبری کند، شکی نیست امت می‌داند که حزب التحریر یگانه پیشوائی است که برای اهل خود دروغ نگفته؛ پس ما از شما امت می‌خواهیم که با حزب التحریر صادقانه کار کنید.

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [سوره حج: 40]

ترجمه: کسی که به نصرت دین الله (سبحانه و تعالی) برخیزد الله (سبحانه و تعالی) آن را یاری می‌رساند، بدون شک الله (سبحانه و تعالی) قوی و شکست‌ناپذیر است.

ای برادران! بدون شک این حوادث ثابت می‌سازد که موقف بین‌المللی بعد از کرونا مانند قبل‌اش نمی‌باشد. دولت‌هایی که خود را در روی زمین خدا دانسته و خلاف شریعت الله سبحانه و تعالی قوانین را وضع می‌نمودند و حق را باطل و باطل را حق می‌گردانیدند، این دولت‌ها ناتوانی‌شان در برابر مخلوق کوچکی که به چشم دیده نمی‌شود، واضح شد. این دولت‌ها در برابر این مخلوق ضعیف به پا در آمده که راه معالجه آن را ندانسته و نمی‌توانند که در برابر



این مخلوق ضعیف استاده گی کنند. این دولت‌ها در تاریکی ظلم خودشان به زانو در آمدند، انگار که این قول الله سبحانه و تعالی این دولت‌ها را چلنج داده و هشدار می‌دهد:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [اسراء: 81]

**ترجمه:** بگو ای (رسول الله) حق آمده و باطل رفت، بدون شک باطل از بین رفتنی است.

این آیه مبارکه این دولت‌ها را هشدار می‌دهد که به زودی صبح خلافت از جدید طلوع خواهد کرد تا دنیا را روشن و خیر و برکت را در جهان گسترش دهد.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ [سوره اسراء: 51]

**ترجمه:** می‌گویند آن روز کی خواهد آمد؟ بگو آن روز نزدیک است!

عطاء بن خلیل ابوالرشته

6 رمضان 1414 هـ.ق

29 اپریل 2020 م

مترجم: مصطفی اسلام